

نیروهای مترقی ایران و جهان ما را یاری دهید و بپرسید که چرا عزیزانمان را اعدام کردند - نامه خانواده های شهدای فاجعه ملی در صفحه ۳



شماره ۶۹۲، دوره هشتم  
سال بیستم، ۱۳ مرداد ۱۳۸۳

## تشدید فشارهای گزندگان استبداد و تاریک اندیشی و ضرورت گسترش مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی ایران

بازگشت به دوران پیش از خرداد ۱۳۶۷، تشدید شده است. اخبار گوناگونی از به خیابان آمدن چاقو کشان و انصار ولی فقیه برای حمله به زنان و جوانان در شهرهای مختلف انتشار یافته است که در کنار

همان طوری که پیش بینی می شد در پی انتخابات فرمایشی و ضد مردمی مجلس هفتم و تشکیل مجلس شورای «ذوب شده» در «ولایت» فشارهای سرکوبگرانه ارگان های نظامی و نیمه نظامی وابسته به دستگاه استبداد ولی فقیه برای حاکم کردن کامل جو ارباب و خفقان و آماده کردن فضا برای انتخابات آتی ریاست جمهوری و

ادامه در صفحه ۲

### منتشر شد



صادق هدایت  
(۱۲۸۱-۱۳۷۲)

هفتمین شماره مجله «دنیا منتشر شد. در این شماره از جمله مطالبی با عناوین زیر به چشم می خورد: همگام با جنبش کارگری و

سندیکایی میهن، چپ نو در بی هویتی دست نیافتنی، ره آورد نیما در زمینه انتقال احساس، انحصارات و مبارزه بر ضد انحصارات، علی مسیو مبارز و پیشوای گمنام مشروطیت و همچنین صفحات ویژه ای درباره شخصیت، افکار و آثار صادق هدایت.

## رژیم ولایت فقیه و عدالت اجتماعی

مجلس شورای اسلامی، سرانجام پس از بحث و گفتگوهای آشکار و پنهان به وزیر معرفی شده از سوی دولت برای تصدی پست وزارت نو بنیاد رفاه و تأمین اجتماعی رای اعتماد داد. محمد حسین شریف زادگان عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت با ۱۳۲ رای موافق از مجموع ۲۵۹ رای و در مقابل ۱۱۳

ادامه در صفحه ۴

## ضرورت اتحاد عمل در مبارزه بر ضد استبداد

تعمقی بر سرنوشت جبهه دوم خرداد و روند آتی شکل گیری ائتلاف های جدید

بحث درباره زمینه ها و علل پیدایش جبهه دوم خرداد و همچنین زوال تدریجی آن از آن منظر می تواند مفید باشد که بتوان با اتکا به این تجربیات راه کارهای مناسب برای همکاری و همگامی نیروهای ملی و آزادی خواه را فراهم آورد. روزنامه «شرق»، دوشنبه ۱۹ مرداد ماه، در مقاله یی با عنوان «ائتلاف تازه در راه است» در زمینه پیدایش و ترکیب جبهه دوم خرداد می نویسد: «انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ ائتلافی را به وجود آورد به نام ائتلاف گروههای دوم خردادی. هم روحانیون محافظه کار که چند سالی بود از روحانیون راست سنتی جدا شده بودند در آن عضو بودند و هم چپ های مذهبی که زمانی تندروتر از هر راست سنتی در کشور عمل می کردند. هم تکنوکرات های منتسب به هاشمی رفسنجانی در آن عضو بودند و هم روشنفکران مذهبی ای که هیچ سختی با افکار هاشمی رفسنجانی نداشتند. هم دوستانی همفکر با رئیس جمهور عضو آن بودند و هم سیاستمدارانی که هیچ وجه روشنفکری نداشتند و کارشان فقط سیاست بود. ..»

مقاله در ادامه ضمن اشاره گذرا و گهگاه نا دقیق به تاریخ شکل و پیدایش ائتلاف ها در

هفت سال از دوم خرداد ۱۳۷۶ و تشکیل جبهه دوم خرداد، به عنوان ائتلاف وسیع و نا همگونی از نیروها و گروه های مختلف سیاسی - صنفی که برای انتخاب سید محمد خاتمی به مسند ریاست جمهوری، گردهم آمده بودند، می گذرد. اگر چه جبهه دوم خرداد در سال های اولیه فعالیتش، خصوصاً در عرصه انتخاباتی توانست نقش موثری در بسیج و به پای صندوق های رای آوردن مردم ایفا نماید، ولی به تدریج و به دلیل نداشتن برنامه و چشم انداز سیاسی مشخصی، اسیر بودن در معادلات و معاملات قدرت، شکست خوردن نظریه خاتمی و همراهان او در زمینه اصلاح پذیری رژیم «ولایت فقیه»، رادیکالیزه شدن جنبش مردمی برای تعمیق و گسترش روند اصلاحات و مهم تر از همه بی توجهی جدی رهبران سیاسی این ائتلاف به امر ضرورت سازمان دهی نیروهای اجتماعی و اتکاء به نیروی مردمی برای پیشبرد روند اصلاحات، به جای سازش و مماشات با مرتجعان حاکم، با بحران جدی روبه رو شد و رو به زوال رفت.

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری  
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه تشدید فشار گزمنگان استبداد ...

تشدید فعالیت های ارگان های اطلاعاتی و دستگاه سرکوب قضایی رژیم، یورش و بستن مجدد مطبوعات منتقد، ادامه و تشدید دستگیری ها و آدم ربایی دگراندیشان و تشدید فشار بر زندانیان سیاسی در مجموع تصویر نگران کننده یی از اوضاع کشور به دست می دهد. در هفته های اخیر در واکنش به همین تشدید فشارهای مرتجعان حاکم حرکت های اعتراضی گوناگونی صورت گرفت که حائز اهمیت است.

در گزارش ها آمده بود که شیرین عبادی، وکیل ایرانی و برنده جایزه صلح نوبل گفته است که گروهی از زندانیان سیاسی در ایران در اعتراض به فشاری که به گفته آنها از سوی مقام ها بر خانواده هایشان اعمال شده است دست به اعتصاب غذا زده اند. خانم عبادی به بی.بی.سی گفت این گروه از زندانیان که در اوین نگهداری می شوند، اعتصاب غذای خود را بیش از دو هفته قبل آغاز کرده اند. ناصر زرافشان، وکیل پرونده قتل های زنجیره ای سال ۱۹۹۸، احمد باطبی، پیمان پیران و برخی دیگر از دانشجویان زندانی از جمله کسانی هستند که دست به اعتصاب غذا زده اند. دو نفر از زندانیان می گویند نیروهای امنیتی به خانه هایشان حمله کرده و به خانواده هایشان اجازه داده نشده است به محل زندگی خود بازگردند. این درحالی است که مقامات قضایی و سازمان زندان های ایران وقوع این اعتصاب غذا را که از ۱۷ روز پیش آغاز شده، کرارا تکذیب کرده و آن را شایعه دانسته اند. سایت اینترنتی «رویداد» در این زمینه گزارش داد که: «در پی انتشار اخباری در اوایل این هفته، مبنی بر ضرب و شتم «ناصر زرافشان» وکیل خانواده قربانیان قتل های زنجیره ای و عضو کانون نویسندگان که در زندان اوین به سر می برد، خانواده و دوستان وی با نگرانی از این قضیه تیمی در داخل و خارج از حقوق دانان بدون مرز، اعضای کانون نویسندگان، وکلای خانواده های سیاسی و خانواده های آنها برای بررسی این مساله تشکیل دادند که «فریبرز رئیس دانا» از فعالان سیاسی ریاست این گروه را بر عهده گرفت.» بر اساس همین گزارش فریبرز رئیس دانا گفته است: «ناصر زرافشان به همراه دوستانش در اعتراضی نمادین به وقایع ۱۸ تیر و در همبستگی با دانشجویان از روز ۱۴ تیرماه اعلام اعتصاب غذا کرده بودند. این قضیه تا زمان حمله به منزل خانواده پیران که حمله کنندگان مدعی بودند «به دلیل اجاره خانه بوده است»، ادامه یافت. لذا پس از این اتفاق زرافشان و دوستانش اعتصاب غذا را دوباره این موضوع ادامه دادند.» وی افزود: «از این مرحله به بعد عناصری در داخل زندان که در واقع از مجرمان عادی و قاچاقچیان بودند و سابقه بازیگری های سیاسی نیز داشتند، به آزار و اذیت زندانیان عقیدتی پرداختند که در مقابل این اقدام زرافشان و دوستانش بیانیه ای را صادر کردند و خواستار خروج مجرمان از بند خودشان شدند...»

احمد باطبی، از دانشجویان سیاسی که در جریان ۱۸ تیرماه دستگیر و به دلیل بلند کردن پیراهن خونین یکی از مضروب شدگان و چاپ عکسش در سراسر دنیا به ۱۵ سال زندان محکوم شده است، و در روزهای اخیر به «مرخصی اجباری» فرستاده شده است در مصاحبه یی با رادیو «فردا» در سوئد در همین رابطه افزود: یکشنبه شب اتفاقی که افتاده بود این بود که خیلی از دوستان فعال خارج از زندان از بچه های داخل خواسته بودند با توجه به آنچه که تقریباً آن چیزهایی که مد نظرمان بود به دست آورده بودیم، خواسته بودند که اعتصاب غذا را بشکنیم، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، و یک مقدار هم اعتصاب برای بچه ها مشکل شده بود. با توجه به اینکه هدف بچه ها تأمین شده بود، اعتصاب شکسته شد، و سپس همراه آقای ناصر زرافشان شام خوردند. منتها داخل زندان اوین به غیر از سیاسی ها زندانیان عادی هم هستند، که دربند زندانیان سیاسی هم نگهداری می شوند. خواسته هایشان

متفاوت است، برخوردارشان متفاوت است، انگیزه شان متفاوت است. اینها چندان برایشان خوشایند نبود اعتصاب غذا به خاطر اینکه یک سری عواقبی داشت، مثلاً تلفن ها را قطع کردند، و در بندها را بسته بودند. و اینها معتقد بودند که این را شما باعث شدید که به این شکل شده است. به هر ترتیب ناراحتی و درگیری ایجاد شد، توهین کردند، فحاشی کردند به بچه های سیاسی و اعتصابی و آقای درخشان. بچه ها سعی کردند درگیری ایجاد نکنند. فردای آن شب، یعنی دیشب، آدمم بیرون، به من مرخصی دادند، به همراه چند تا از بچه های دیگر. آقای درخشان را هم امروز شنیدم که آمدند. ظاهراً پس از آنکه من رفتم یک درگیری دیگر به وجود آمد که نیروهای ویژه، گارد زندان آمد دخالت کرد و درگیری خاتمه پیدا کرد. استفاده از مجرمین قضایی، چاقو کشان، قاچاقچیان و قاتلان برای آزار و اذیت زندانیان سیاسی امر تازه یی نیست. هم در زمان زندان های ساواک و رژیم پهلوی و هم در زندان های رژیم ولی فقیه، مسئولان زندان با فرستادن این تیب افراد لومپن و عمدتاً آماده اجرای خواست های مسئولان زندان برای آزار و اذیت و ارباب زندانیان سیاسی استفاده کرده و می کنند. مسأله اساسی در بررسی این مجموعه خبری تشدید فشارهای مستبدان حاکم در همه عرصه ها برای به سکوت و انزوا کشاندن فعالان سیاسی و حاکم کردن کامل خواست هایشان بر جامعه است. عرصه کشتی های چماق داران مطبوعاتی رژیم در کیهان، رسالت و روزنامه ولی فقیه - جمهوری اسلامی - برای مقابله با «بدحجابی» و «عناصر بیگانه پرست» در کنار حضور چشمگیر نیروهای مسلح و نیمه مسلح انتظامی در خیابان های شهرهای عمده کشور همگی نشانگر این واقعیت است که رژیم مترصد است عرصه مبارزه را بر آزادی خواهان و مدافعان اصلاحات تنگ تر کند. تجربه تاریخی همچنین نشان داده است که در چنین مقاطعی زندانیان سیاسی، به عنوان اسیران جنبش از نخستین قربانیان چنین تهاجماتی هستند. شانزده سال پیش در پی شکست مفتضحانه خمینی و طرفداران او در جنگ ایران و عراق و «نوشیدن جام زهر» رژیم ددمنش برای انتقام گیری از خلق به هزاران زندانی سیاسی یورش برد و در یکی از بزرگ ترین قتل عام های سیاسی تاریخ میهن ما هزاران اسیر در بند را وحشیانه قتل عام کرد. در حالی که ما به سالگرد این فاجعه ملی نزدیک می شویم باید با مبارزه گسترده، وسیع و همه جانبه ملی و بین المللی اجازه نداد تا پاسداران تاریک اندیشی و جنایت بار دیگر بتوانند فاجعه بیافرینند. مبارزه برای رهایی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی کشور از حلقه های مهم مبارزه برای آزادی و دموکراسی در ایران است و با جرئت می توان مدعی شد که تا این امر تحقق نیافته است نمی توان به آینده تحولات و ادامه روند برای گسترش و تعمیق اصلاحات در میهن ما خوش بین بود.

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی**

**ایران!**



## بازگشت قهرمان خلق

“لیلا زانا”، مظهر مقاومت خلق کرد (ترکیه)، پس از آزادی از زندان، مورد استقبال شایسته مردم قرار گرفت “لیلا زانا” اولین زن کرد بود که در سال ۱۹۹۱ از سوی خلق خویش به نمایندگی مجلس ترکیه انتخاب شد. به هنگام اجرای مراسم سوگند، او با یک روسری با رنگ های سنتی کردی (سبز و زرد و قرمز)، که به کار بردن آن در ترکیه ممنوع بود، ظاهر شد. (مرتجعان در همه جای دنیا یکسانند. آنان با هر آنچه که به توده های خلق تعلق داشته باشد حتی اگر رنگ باشد و یا پرش از روی آتش دشمنی می ورزند.) از آن نا بخشودنی تر و مدهش تر آن که او علاوه بر زبان ترکی به زبان دیگری، به زبان مادری خود، به کردی، نیز سخن گفت، که تکلم آن از سال ۱۹۲۴ ممنوع و غیر قانونی بوده است. و این هم گناهی نا بخشودنی از نظر کوه تانندیشان نژادپرست!

کسی به سخنان او، به مفهوم سخنانش، توجهی نکرد. هیچ کس نفهمید و نخواست بفهمد که او چه گفت. او گفته بود: “من برای اینکه خلق کرد و خلق ترک بتوانند با هم در صلح و دموکراسی زندگی کنند، مبارزه می کنم.” همین. خارق العاده بود، جرات و جسارت حرف زدن! زبان کردی! آن هم در باره صلح و دموکراسی! چه گناهان نا بخشودنی. “نمایندگان” دچار جنون شدند، زنجیر پاره کردند، کلمات “جدایی طلب”، “تروریست” و هر آنچه که می خواستند از حلقومشان به بیرون می جهید. آرزوی زندگی مشترک در سرزمین مشترک! در صلح و آزادی! آن هم به زبان غیر قانونی! چه گناهان دهشت آوری!

و آنان این زن بلند همت و سه تن از یارانش را در “دادگاه امنیت دولتی” به پانزده سال زندان محکوم کردند. در تمام جهان کارزاری وسیع علیه این بربرمنشی و بی عدالتی شرم آور در گرفت و با پی گیری ادامه یافت تا سرانجام روز ۸ ژوئن گذشته به آزادی موقت او و یارانش انجامید.

او لحظه آزادی خود را چنین بیان داشت: “بعد از ظهر بود. من در حال مراقبت از یک زندانی بیمار بودم که از انتهای راهرو یک نگاهیان که با تمام قدرت فریاد می زد، لیلا، لیلا تو آزادی، به سویم دوید. (باید دانست که حتی در میان زندانبانان هم شرافت و انسانیت وجود دارد).” به محض اعلام آزدایش، میدان مقابل زندان آنکارا از هزاران مبارز کرد، که لهله کنان دسته های گل را حرکت می دادند، پر شد. خلق کرد آمده بود تا به

## نیروهای مترقی ایران و جهان ما را یاری دهید و بپرسید که چرا عزیزانمان را اعدام کردند

آقای کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل!

هم چنان که می دانید در سال ۱۳۶۷ در ماه های مرداد و شهریور صدها زندانی سیاسی، بعد از سال ها شکنجه در بیدادگاه های رژیم جمهوری اسلامی، بعد از چند ماه قطع ملاقات، به جوخه های اعدام سپرده شدند و حتی در برخی زندان ها جمعی به دار آویخته شدند. هفته ها قبل از انجام چنین جنایت مخوف، خانواده زندانیان سیاسی نگرانی خود را از حادثه فجیع در دست وقوع ابراز داشتند متأسفانه گوش شنوایی برای شنیدن پیدا نشد تا آن که جنایت اتفاق افتاد و صدها تن از انسان های شریف، زحمتکش، آزادی خواه و فرهیخته قربانی شدند، که همسران و فرزندان ما بودند. قابل ذکر است که بیشتر آنها در همان دادگاه های فرمایشی قبلا حکم گرفته بودند و برخی در آستانه آزادی و پایان محکومیتشان بودند. آنها بدون هیچ دلیل قانونی و بدون شرکت در دادگاه تنها به جرم دگر اندیشی و تن ندادن به ذلت و خواری به جوخه های اعدام سپرده شدند. ما خانواده های قربانیان این جنایت بعد از چندین ماه بی خبری تنها کیفی محتوای لباس عزیزانمان را دریافت کردیم و حتی با تهدید از ما خواسته شد که هیچ مراسمی به یاد آنها برگزار نکنیم. اکنون ۱۶ سال از آن تاریخ می گذرد و ما هنوز از ابتدایی ترین حق انسانی یک مادر و همسر محروم هستیم و نمی دانیم که عزیزانمان در چه تاریخی و به چه جرمی کشته شده اند و در کجا دفن گردیده اند و آیا به آنها اجازه نوشتن وصیت نامه را داده اند.

ما خانواده قربانیان این فاجعه ملی، از شما مصرانه انتظار داریم که ما را در یافتن سؤال های بی جواب مان یاری دهید و از مراجع جمهوری اسلامی بخواهید تا:

- اسامی اعدام شدگان شهریور خونین را به طور رسمی اعلام نمایند،

- تاریخ اعدام و محل خاکسپاری عزیزانمان را به خانواده های داغدارشان اعلام کنند،

- دلایل محاکمه مجدد کدام است و به دستور کدام مقامات جمهوری اسلامی انجام یافته است؟

- به چه جرمی عزیزان ما اعدام شده اند؟

ما بارها و بارها به مقامات ذریبط جمهوری اسلامی مراجعه کرده ایم و خواستار پاسخ به سئوالات فوق شده ایم اما تاکنون از هیچیک از ارگان های مربوطه جوابی دریافت نکرده و در مراجعه های حضوری جز توهین چیزی نصیب خانواده های درد کشیده نشده است. ما مادران، پدران و خانواده های این جان باختگان بارها در گورستان خاوران که مزار جمعی از این شهیدان است، به خاطر علامت گذاری و گلکاری در محل مورد ایذاء و تهدید قرار گرفته ایم. آنان اجازه هیچگونه نشانه گذاری در خاک عزیزانمان را نمی دهند و حتی در مواردی محل دفن کشته شدگان سیاسی سال های رژیم گذشته را هم نابود می کنند تا یاد و خاطره دگراندیشان مترقی را به خیال خود نابود کرده باشند.



## ادامه رژیم ولایت فقیه و عدالت ...

رای مخالف و ۱۴ رای ممتنع به عنوان نخستین وزیر رفاه و تأمین اجتماعی که به گفته سران رژیم کلید تحقق امر خطیر عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی قلمداد می شود، برگزیده شد.

مطبوعات و دیگر رسانه های همگانی این حرکت مجلس هفتم را رای اعتماد به اولین چالش دولت خاتمی و مجلس " نام دادند. محمد خاتمی نیز در این رابطه اعلام داشت: " رای اعتماد به شریف زادگان آغاز تعامل خوب مجلس با دولت است."

اما بر خلاف موضعگیری خاتمی؛ اقدام مجلس کاملاً حساب شده صورت گرفت و در واقع ارتجاع حاکم موقعیت بسیار متزلزل دولت خاتمی را به رخ کشید.

وزارت نو بنیاد رفاه و تأمین اجتماعی، بر پایه قانون مصوب مجلس، هماهنگی برنامه های نظام جامع تأمین اجتماعی را با برنامه های مربوط به اشتغال، بهداشت و درمان و مسکن و آموزش و پرورش بر عهده خواهد داشت؛ از دیگر وظایف این وزارتخانه، تنظیم کلان بودجه عمومی دولت در عرصه بیمه های اجتماعی و بیمه های خدمات درمانی، امور حمایتی و امدادی کشور می باشد، بعلاوه این وزارتخانه موظف است زمینه گسترش حضور و مشارکت نهادهای خیریه، وقف و ارگان های گوناگون را در حوزه های مربوط به تأمین اجتماعی فراهم آورد.

همچنین با تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قرار بر این است که، ۲۸ سازمان فعال در این زمینه بدون اینکه در هم ادغام گردند، هماهنگ شده و به اصطلاح به برنامه فقر زدایی جمهوری اسلامی جامعه عمل ببوشانند.

هم اکنون در آشفته بازار ولایت فقیه، سازمانها و نهادهایی چون سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بهزیستی، سازمان خدمات درمانی هلال احمر، سازمان حوادث غیر مترقبه، سازمان اورژانس، کمیته امداد خمینی، بنیاد جانبازان و مستضعفان، بنیاد شهید، سازمان بازنشستگی، صندوق بیمه روستاییان، آستان قدس رضوی، بنیاد فاطمیه و امثالهم در سطح کشور فعال هستند و هر یک با اختصاص بودجه یی به مسایل امدادی، رفاهی و حمایتی می پردازند. هنگامیکه بحث تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی جریان داشت روزنامه ایران در گزارشی به تاریخ ۱۶ خرداد ۸۳ با انتقاد از فعالیت دهها نهاد در زمینه مسایل تأمین اجتماعی با صراحت خاطر نشان ساخت، علیرغم وجود ۲۸ نهاد بیمه ای و حمایتی امر تأمین اجتماعی در کشور به سامان نیست. سپس همین روزنامه هدف نهایی وزارت نو بنیاد را، پایه گذاری نظام جامع اطلاعات ایرانیان قلمداد کرده که در مسیر فعالیت خود با گردآوری اطلاعات کامل، کد تأمین اجتماعی (social security number) برای هر شهروند ایرانی اختصاص خواهد داد.

یکی از طراحان اصلی وزارت رفاه، معاون پیشین محمد خاتمی، یعنی محمد ستاری فر است، در گفتگویی با خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا با تأکید بر اهمیت وزارت رفاه آن را پیش زمینه ضرور برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی دانست.

علاوه بر این وی متذکر شد، مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی، بر خورداری از تأمین اجتماعی حق همگانی مردم ایران می باشد از ابتدای انقلاب در سال ۵۷ تاکنون این امر یکی از دغدغه های مهم نظام و جامعه بوده و اکنون وزارت رفاه پاسخی در خور و شایسته به این دغدغه تاریخی است.

به این ترتیب وزارت رفاه و وزیر آن مسئول تأمین حقوقی هستند که از زمره عرصه های مرطوب با عدالت اجتماعی است. واقعیت اینست در اثر خیانت رهبران رژیم، آماج های اصلی

انقلاب بهمن همانند آزادی و عدالت اجتماعی نه تنها تحقق نیافته است، بلکه وضعیت به مراتب از دوران رژیم ضد ملی شاه وخیم تر گردیده است. در مورد عدالت اجتماعی، محمد ستاری فر با صراحت اعتراف نموده: "هدف استراتژیک وزارت رفاه کاهش فقر در چارچوب برنامه فقر زدایی است. " او تأکید می کند: "پدیده فقر در ابتدای انقلاب هم بود، اما در حال حاضر عمیق تر و وسیع تر شده و به مانع بزرگی در راه توسعه تبدیل شده است." اما باید دید واقعا با تشکیل این وزارت و فعالیت آن در چارچوب دیوان سالاری کنونی که بسیار نیز فاسد است امر تأمین عدالت اجتماعی تحقق خواهد پذیرفت.

وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی که از مخالفان سرسخت تشکیل وزارتخانه نوین است، یاد آور گردیده: "وقتی دولت در الفبای ارایه خدمات بهداشتی و درمانی به مردم مشکل دارد و قدرت پرداخت منابع مالی را ندارد، چگونه می خواهد وزارت جدیدی برای مردم درست کند."

بی شک، وزارت نو بنیاد رفاه و تأمین اجتماعی همانگونه که از ابتدا مشخص است، قادر نخواهد بود به امر حیاتی تأمین عدالت اجتماعی در عرصه هایی چون فقر زدایی، اشتغال زایی، بیمه و خدمات درمانی، مسکن و جز اینها صورت واقعتی بدهد. دو علت عمده برای این ناتوانی وجود دارد. نخست اینکه این وزارتخانه زیر مجموعه یی از نظام حاکم خواهد بود که در چارچوب برنامه ای مشخص و یا به عبارتی سمت گیری اقتصادی - اجتماعی معینی فعالیت می کند. از آنجا که محتوی این سمت گیری تأمین منافع کلان سرمایه داران و دلالتان بازار است، در نقطه مقابل امر پراهمیت تحقق عدالت اجتماعی قرار می گیرد. انتظار معجزه در این چارچوب در بهترین حالت ساده لوحی است. اصولاً نوع سمت گیری اقتصادی اجتماعی هر نظامی در پیوند با منافع طبقات معینی قرار دارد. برنامه های اقتصادی، اجتماعی رژیم ولایت فقیه پایمال کننده عدالت اجتماعی هستند.

دوم، اینکه، با توجه به ماهیت رژیم ولایت فقیه، وزارت رفاه قادر نخواهد بود در تقابل با نهادهای پوسیده و فاسدی همچون کمیته امداد خمینی، بنیاد شهید و جز اینها به وظایفی که برای آن تعیین شده، عمل نماید.

نهادهای غارتگر و فاسدی مانند کمیته امداد خمینی به سادگی و فقط با تصویب چند ماده قانونی نیم بند حاضر نخواهد شد، موقعیت خود را از دست بدهند. در این خصوص، رضا نیری سرپرست کمیته امداد خمینی که بوسيله عسکراولادی و شركايش اداره مي شود طی مصاحبه ای به روشنی تمام اعلام کرده بود: "ما هرگز وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را قبول نداریم و وجود این وزارت را سم مهلکی برای کشور میدانیم ... ما تکلیفمان در دست مقام معظم رهبری است و قانون هم این امر را تصریح کرده، ما تحت هیچ شرایطی زیر پوشش این وزارت قرار نمی گیریم."

این برخورد از موضع قدرت به هیچ رو، نمایشی نیست. کمیته امداد خمینی در کنار بنیاد مستضعفان، سپاه پاسداران و چند بنیاد دیگر از پایه های اصلی ارتجاع درنده خوی ایران هستند. این کمیته بلافاصله پس از پیروزی انقلاب در تاریخ ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۷ بر اساس مدل بنگاههای خیریه مذهبی بازار بوسيله عسکراولادی، امانی و چند مرتجع دیگر تأسیس شد. کمیته مزبور به نام رسیدگی به ایتم، زنان بی سرپرست و فقرا، از ثروتمندترین بنیادها و نهادهای کنونی کشور است. منبع مالی آن وجوهات شرعی بعلاوه اختصاص مبلغ هنگفتی از بودجه کل کشور است. مطابق آمار منتشره در آمد کمیته امداد خمینی فقط از صندوق خیریه سالیانه حدود ۱۰۰ میلیارد تومان است.

این کمیته که فقط تحت فرمان ولی فقیه قرار دارد، علاوه بر ایران طی چند سال اخیر در کشورهای دیگر نیز به فعالیت مشغول شده است. تاجیکستان، لبنان، افغانستان، جمهوری آذربایجان، سوریه، فلسطین،

## ادامه رژیم ولایت فقیه و عدالت ...

عراق، کوزوو، بوسنی و هرزگوین از جمله کشورهایی هستند که کمیته امداد خمینی در آنجا بسیار فعال است. به طور مثال در لبنان کمیته امداد از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۱ خورشیدی ۶/۹۶ میلیون دلار هزینه کرده است. در جمهوری آذربایجان ظرف چند سال اخیر این کمیته بیش از ۵/۱ میلیارد ریال هزینه داشته است.

این را نیز باید بیفزاییم کمیته امداد خمینی دست در دست سپاه پاسداران در کنترل اسکله های غیر قانونی و حمل کالای قاچاق به داخل کشور فعال است نه تنها وزارت رفاه، بلکه مجموعه دولت خاتمی نیز قادر به مقابله با این نهاد فاسد و غارتگر نیست.

جالب اینجاست که در لایحه تشکیل این وزارتخانه ادغام این کمیته و دیگر نهادها قید نگردیده و به اموال آنها دست نخواهد خورد. اما منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی که متعلق به زحمتکشان است، توسط این وزارت جذب خواهد شد.

بر پایه آمار رسمی، دولت جمهوری اسلامی هم اکنون ۱۴۰۰ میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است. با آغاز به کار وزارت رفاه نه تنها اموال سازمان تأمین اجتماعی تصرف می گردد، بلکه مبلغ مذکور نیز از صورت بدهکاری دولت حذف خواهد شد.

به این ترتیب حقوق قانونی کارگران بار دیگر به شکلی خشن نقض و منافع آنان پایمال می شود، میزان مخالفت طبقه کارگر با این سیاست چنان عمیق است که، حتی کانون عالی شوراهای اسلامی و ادار شد، طی بیانیه ای اعلام کند، "اموال سازمان تأمین اجتماعی نباید برای تجهیز وزارت رفاه مورد استفاده قرار بگیرد و وزیر جدید نمی تواند و نباید از مایملک بیمه شدگان در جایگاه وزارت استفاده کند."

در آستانه ۲۵ تیر ماه سال روز سازمان تأمین اجتماعی نیز جمع کثیری از کارگران ایران خودرو و اطلاعیه ای را امضا کردند که در آن از جمله نوشته شده بود: ".... دولت برای فرار از بحران مالی می خواهد از جیب ما کارگران خرج کند تشکیل وزارت رفاه شعار تو خالی بیش نمی باشد .... دولت امروز میلیاردها تومان به کارگران و سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است.... ما مخالف تشکیل وزارت رفاه نیستیم. ما مخالف هر نوع تصرف و تعرض به منافع خویش می باشیم. سازمان تأمین اجتماعی مال ما کارگران است از حقوق و دسترنج ما کارگران تشکیل شده است. ما اجازه نمی دهیم دسترنج ما کارگران را به غارت ببرند. سپس در پایان این اطلاعیه کارگران ایران خودرو خواستار اداره سازمان تأمین اجتماعی به دست نمایندگان واقعی کارگران (نه خانه کارگر و امثالهم) شدند.

نکته پر اهمیت اینجاست، دولت در حالی صدها میلیون تومان از بودجه کل کشور را به کمیته امداد اختصاص می دهد که، همواره از عدم پرداخت و جوهی که کارفرمایان باید قانونا به سازمان تأمین اجتماعی بدهند، قاطعانه حمایت می کند. مدیر کل تأمین اجتماعی تهران بزرگ در اوایل تیر ماه سال جاری خورشیدی خاطر نشان ساخت، بیش از ۳۴۰ هزار کارگاه تحت پوشش تأمین اجتماعی تهران بزرگ هستند که ۱ میلیون ۶۰۰ هزار نفر بیمه شده را در بر می گیرند. این کارگاهها (یعنی کارفرمایان) بیش از ۸۳۶ میلیارد ریال به اداره کل تأمین اجتماعی بدهکار هستند و حاضر نیستند ۱ ریال هم بپردازند.

با چنین اوضاعی، آیا به صرف تشکیل یک وزارتخانه نوین می توان انتظار تحقق حتی جزئی عدالت اجتماعی را در رژیم ولایت فقیه داشت؟!!

## ادامه محاصره عرفات ...

های یاسر عرفات را به دست آورد؟

**ایلان هالوی** - جامعه بین المللی نباید محاصره تحمیل شده به عرفات را بپذیرد. فرانسه در این مورد رفتار بسیار خوبی داشته است، در حالی که فشارهای قابل ملاحظه ای به عمل آمد تا "میشل بارنیه"، وزیر امور خارجه فرانسه نتواند با رئیس جمهور فلسطین ملاقات کند، اما او این ملاقات را انجام داد.

ما همچنین اهمیت سیاسی ملاقات رفیقمان، "ماری ژرژ بوفه"، دبیر ملی، یک حزب دوست را ارزشمند تلقی می کنیم.

از این بیشتر و دامنه دار تر، جامعه بین المللی باید در برابر این محاصره تحمیلی و تبعید "محرمانه" رئیس جمهور فلسطین، سیاست معامله گرانه "دل به دست آوردن" را به کلی قطع کند. این عملی ناشایست و بی ثمر است.

## ادامه آزادی قهرمان خلق ...

نمایندگان خود درود بگوید. در زندان باز شد. در میان انبوه جمعیت، لیلا مادر و دخترش را باز یافت. او می گوید: "ما قادر نبودیم حرفی بزنیم. فقط یکدیگر را تنگ در آغوش کشیدیم. همین"

به زودی پس از آزاد شدن، لیلا زانا و یاران هم بندش، خواستند که سرزمین خود، کردستان، را دوباره ببینند. به همه جا رفتند، از شهری به شهری و از دیاری به دیاری. او احساسات خود را چنین بیان کرد: "پس از این همه سال که در پشت میله های زندان به بند کشیده شده بودم، نیاز داشتم که از خاستگاهم، از سرچشمه ام نیرو بگیرم. مردم خود را ببینم، به حرف هایشان گوش دهم. در این ده سال دنیا تغییر کرده است، جامعه کرد هم همین طور. من احتیاج دارم که در این دریا غوطه بزنم، پیوندم را با خلقم دوباره برقرار سازم."

یک قاضی، نماینده سازمان غیر دولتی، خانمی که ناظر بین المللی "محاكمه" زانا بود و در این سفر او را همراهی می کرد، دیده های خود را چنین بیان می کند: "من نمایش این انبوه مردم را دیدم. مردان و زنانی که با لباس های رنگارنگ و شاد، شغف خود را نمایان می ساختند. من زنان کرد را دیدم که چگونه هیجان وصف ناپذیرشان را از دیدن لیلا زانا نشان می دادند. من دیدم و به خوبی دریافتم که این زن از چه دیدگاهی و چگونه تمام امید هایش را برای صلح و آزادی، به انسانی ترین وجهی معجم کرد." لیلا خسته و کوفته است، روی سقف اتوبوسی می رود، به جمعیت درود می فرستد، تمام نیروی لازم را جمع می کند و به خلق رو می کند و به زبان کردی می گوید: "شما عشق قلب من هستید. شما نوری هستید که وجدان های ما را روشن می سازید. شما توان زانوان ما هستید. ما شما را تا این اندازه دوست داریم." سپس نطق او به گشودن راهی جهت مذاکره معطوف می شود، آنگونه که بتواند سرانجام برای مساله کرد، با در نظر گرفتن احترام به شأن و منزلت ۱۵ میلیون کرد ترکیه و تأمین حقوق حقه و مشروع شان، در چارچوب دموکراسی و در داخل مرزهای کنونی، راه حلی پیدا کند.

علیرغم این کلمات آرام بخش، این دور پیمایی نمایندگان کرد، در یک زمینه نامطمئن جریان داشت. هر چیزی ممکن است در این منطقه مرزی، بین کشورهای ایران، عراق، سوریه و ترکیه، روی دهد. به ویژه که هیچ نشانه امید بخشی از جانب حکومت ترکیه دیده نمی شود، حتی آزادی آن ها نیز قطعی نیست.

## ادامه ضرورت اتحاد عمل در مبارزه ...

ایران اشاره می کند و از جمله این نظر را طرح می کند که «در هر صورت انشقاق و جدایی در احزاب سیاسی ایران و تشکیل گروهها و جبهه های جدید برای برون رفت از مشکلات ریشه در تاریخ معاصر ایران دارد که بعضاً با موفقیت همراه بود و بعضاً خود دلیل شکست شده است. چه حزب توده با اتحاد دو حزب سوسیال دموکرات و کمونیست ایران با گروه ۵۳ نفری تقی ارانی به وجود آمد و علیه نظام پهلوی ایستاد و چه آن زمان که با رو به افول رفتن حزب توده جوانان رادیکال جدایی پیشه کردند و سازمانهایی مانند سازمان حزب توده و چریکهای فدایی خلق را تشکیل دادند تا مرحله ای تازه از مبارزات چپها را علیه رژیم شاهنشاهی رقم زنند.»

و نتیجه اینکه: «به هر حال با نزدیک شدن زمان انتخابات ریاست جمهوری این صف بندی ها وارد مرحله تازه ای خواهد شد... آیا این ائتلاف جدید می تواند به موفقیت برسد و انشقاق در جبهه دوم خرداد آیا به نقطه آخر خود رسیده است؟ یا اینکه این انشقاق به نتیجه ای می رسد که اختلاف در نهضت ملی کردن نفت به آن رسیده بود؟ به هر حال این ائتلاف در حد ثنوری باقی مانده است و سخت بتوان پیشینی کرد که به همین زودی ها جامه عمل به آن پوشانده شود اما شاید گام جدیدی باشد برای رسیدن به آنچه که قریب به صدسال است که گام های زیادی برایش برداشته شده است.»

کمیته مرکزی حزب توده ایران در گزارش خود به پنجمین کنگره حزب که در آبان ماه سال ۱۳۸۳، برگزار شد با ارزیابی شرایط کشور و خصوصاً روند تشدید فشارهای ارتجاع بر روند اصلاحات و اصلاح طلبان به این جمع بندی مهم رسید که: «حوادث کشور به سرعت به سمت بحران همه جانبه و خطرناکی کشیده می شود. حملات وسیع مرتجعان حاکم در ماه های اخیر بر ضد نیروهای دگراندیش، و خصوصاً نیروهای رادیکال در صفوف جنبش دانشجویی نشانگر تصمیم قطعی ارتجاع برای فیصله دادن به روند اصلاحات و بازگرداندن اوضاع به پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ است. به گمان ارتجاع اگر چنین مهمی تحقق یابد آنها می توانند با سازش با دولت بوش مسایل فی ما بین را حل و فصل کنند و شرایط را برای ادامه حیات رژیم مهیا سازند. در مقابل این تهاجمات جبهه دوم خرداد در سردرگمی و بی تصمیمی خطرناکی به سر می برد...»

کمیته مرکزی حزب ضمن این هشدار باش جدی به این نتیجه گیری مهم اشاره می کند که: «برداشتن گام های عملی در راه ایجاد جبهه وسیعی از همه نیروهای مخالف استبداد و مدافع آزادی. از ضروریات چنین جبهه یی برنامه سیاسی حداقلی است که باید بتواند بیانگر خواست وسیع ترین قشرهای جامعه ما در راه تحقق آزادی و عدالت اجتماعی باشد. نکته مهم در این زمینه این است که گردهم آمدن نیروها و شخصیت های سیاسی گوناگون تنها با مذاکره چند جانبه نیروهای سیاسی، انعطاف عمل و پرهیز از فرقه گرایی و تحمیل نظرات، و در عین حال احترام متقابل به نظرات مخالف، امکان پذیر است. تجربه های موفق تاریخی نشان داده است (از جمله تجربه تشکیل کنگره ملی آفریقا و سازمان آزادی بخش فلسطین و تجربه جبهه آزادی در ایران در سال ۱۳۲۳) که چنین جبهه هایی آن هنگام موفق بوده اند که احزاب، سازمان های سیاسی و شخصیت های اجتماعی با حفظ آرمان ها و عقاید خود و احترام به نظرات دیگران توانسته اند حول اساسی ترین معضلات و مسایل پیش روی جنبش به توافق بر سر یک برنامه حداقلی مبارزاتی برسند. تا آن زمان و به

موازات کوشش برای تشکیل جبهه وسیع ضد استبدادی می توان از پائین هسته های اصلی چنین جبهه ای را از طریق تشویق و هدایت توده ها برای ایجاد ارتباط در محل های کار و یا سکونت، به اشکال مختلف «علنی یا غیر علنی» به وجود آورد و آن را به هسته های خلقی جبهه واحد ارتقا داد. تنها در صورت تحقق چنین جبهه وسیعی است که می توان برنامه ریزی در راه برداشتن گام بعدی را بررسی کرد. طرح شعارهایی همچون برگزاری رفراندوم و یا استعفای جمعی به قصد بسیج افکار عمومی تنها هنگامی می تواند موثر باشد و ارتجاع حاکم را با دشواری روبه رو کند که با پشتوانه مقاومت سازمان یافته نیروهای مردمی همراه باشد...» (به نقل از اسناد پنجمین کنگره حزب توده ایران، انتشارات حزب توده ایران)

مشکل جبهه دوم خرداد از همان آغاز کار بی برنامهگی سیاسی و همچنین اسیر بودن در چارچوب خط قرمزهایی بود که مرتجعان حاکم تعیین کرده بودند. نکته دیگر اینکه بخش مهمی از نیروهای شرکت کننده در این جبهه، سازمان هایی همچون مجمع روحانیون مبارز و شماری از نزدیکان رفسنجانی و همچنین بخش هایی از طرفداران خاتمی از همان ابتدا اعتقاد جدی به تحقق روند اصلاحات و استقرار یک حکومت متکی بر آرای مردم نداشتند. هدف در عمده ترین خطوط حفظ رژیم ولایت فقیه و تنها انجام برخی اصلاحات سطحی و کم رنگ بود. نیروهای رادیکال جبهه دوم خرداد، خصوصاً نیروهای صنفی - اجتماعی، همچون نیروهای دانشجویی خیلی زود دریافتند که در چارچوب این ظرف بیش از این نمی توان انتظار داشت. جبهه ای که اساسش در انتهای خط حفظ «نظام» و یا دقیق تر گفته باشیم حفظ ساختارهای اساسی قدرت در چارچوب کنونی آنها باشد، نمیتواند آن جبهه ای باشد که با اتکاء به آن بتوان امر مبارزه جنبش مردمی را سازماندهی کرد و به پیش برد.

همان طور که حزب ما بارها تأکید کرده است امروز برای اکثریت نیروهای اجتماعی و سیاسی مدافع آزادی روشن شده است که بدون سازمان یافتگی، بدون ارتقاء کیفی جنبش در برابر رژیم استبدادی نمی توان روند اصلاحات را از بن بست کنونی آن خارج کرد و امر مبارزه جنبش مردمی را به پیش برد. امروز جنبش مردمی خواهان رهبری رادیکال، نیرومند و پایبند به آرمان های آزادی و عدالت اجتماعی است. جامعه ما امروز دوران گذار را طی می کند. گذار به شرایطی که بتوان با تشکیل یک حکومت ائتلاف ملی زمینه های تحولات بنیادین و دموکراتیک را مهیا کرد. امروز تیغ استبداد، نه تنها نیرو های دگراندیش بلکه بخش وسیعی از نیروهای ملی - مذهبی که زمانی مولف رهبران رژیم بودند را نیز هدف قرار داده است و نشانگر مرزهای روشن طبقاتی مبارزه در میهن ماست. مبارزه طبقاتی یی که در یک سوی آن استبداد حاکم، یعنی نمایندگان بخش کوچکی از بزرگ سرمایه داران تجاری و بورژوازی بوروکراتیک، و در سوی دیگر آن طبقات و قشرهای وسیع اجتماعی از کارگران و زحمتکشان گرفته تا خرده بورژوازی و بخش هایی از سرمایه داری ملی کشور قرار دارد. این است ماهیت طبقاتی مبارزه حاد کنونی جامعه، و بر این اساس است که حزب ما همچنان تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، از طبقات و قشرهای نام برده در بالا را یگانه گزینه مطمئن جنبش برای پیش برد امر اصلاحات به جلو و راه گشایی به سمتی می داند که امکان تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک را در میهن ما پدید می آورد. تکرار تجربه جبهه دوم خرداد و روند هفت سال گذشته تنها به طولانی تر شدن حاکمیت رژیم استبداد منجر خواهد شد. با توجه به تجربیات هفت سال گذشته راه را برای شکل گیری یک جبهه متشکل از همه نیروهای مردمی و ملی بر ضد استبداد گشود.

## محاصره تحمیل شده به عرفات، برای عاملانش ننگ آور است

که بر اساس "نقشه راه" پیش بینی شده، عبارت است از یک آتش بس واقعی دو جانبه، متقابل، الزامی برای هر دو طرف و هم زمان در تمام جبهه ها، آتش بس یک جانبه غیر ممکن است. برداشت های دست چین شده تعمدی از "نقشه راه"، مبنی بر آتش بس یک جانبه، فقط از سوی فلسطینی ها به عنوان شرط "الزامی"، در حالی که اسرائیل به عملیات خود ادامه می دهد، نمی تواند منجر به روند صلح شود. این کار هم اکنون یک سال است که انجام می شود. ما موفق شدیم بر یک آتش بس پنجاه و یک روزه از طرف تمام سازمان های مسلح فلسطینی موافقت کنیم، در حالی که در این مدت اسرائیلی ها به آدم کشی ها، به تخریب منازل، ساختن دیوار، بازداشت ها و شکنجه ها ادامه دادند. باید جامعه بین المللی، به ویژه اروپا، آمریکا، سازمان ملل متحد و روسیه، که یکی از اعضای اصلی "چهار گانه" هستند، این موضوع را در دست بگیرند و آتش بس را تحمیل کرده و بر آن نظارت کنند. این یک نقطه عزیمت خواهد بود.

**اومانیتته** - مذاکره اخیر با سازمان های مسلح در مصر سر نگرفت، مشکل بر سر چه بود ؟

**ایلان هالوی** - مشکل عبارت بود از فقدان هر نوع حرکت متقابل از سوی اسرائیلی ها (که حاضر به قبول تعهدات متقابل نبودند). اما با این حال از سوی سازمان های مسلح فلسطینی تعهدی وجود دارد. اگر آتش بس دو جانبه بر قرار شود، سازمان های مسلح به آن احترام خواهند گذاشت و ما نیز به آن ها کمک خواهیم کرد تا آن را محترم بدارند.

**اومانیتته** - در میان سازمان های مسلح، تشکیلات وابسته به حماس و جهاد اسلامی وجود دارند و هم چنین "بریگاد شهیدان الاقصی" که می گویند وابسته به الفتح هستند. موضوع دقیقاً از چه قرار است ؟

**ایلان هالوی** - بریگاد شهیدان الاقصی زائده یی از الفتح است ولی امروزه هیچ گونه وابستگی به آن ندارد. این جریان مخالف با الفتح است. آن ها کسانی هستند که به جنبش ما متعلق بودند و اکنون مستقل شده اند و عبارتند از گروه های کوچکی بدون رهبری مرکزی، و نداشتن مرکزیت سبب می شود که نمی توان با آن ها به کوچک ترین توافقی رسید. ولی استراتژی بریگاد شهیدان الاقصی، رقابت و هم چشمی سیاسی با سایر گروه های مسلح است. از لحظه یی که "حماس" و "جهاد اسلامی" عملیات خود را متوقف کنند، عامل اساسی که افراد بریگاد را به این گونه عملیات سوق می دهد، از میان خواهد رفت و اگر آن ها به روش خود ادامه دهند، ما جلوی آن ها را خواهیم گرفت. **اومانیتته** - مروان برقوتی، رهبر الفتح در ماوراء اردن، نماینده مجلس، توسط اسرائیل به پنج بار حبس ابد محکوم شد، موضع گیری شما در این مورد چیست ؟

**ایلان هالوی** - مروان برقوتی به طور غیر قانونی ربوده شد و محاکمه او غیر قانونی بود و محکومیتش، به مسخره گرفتن عدالت است. مروان یک میهن پرست و یک رهبر توده یی است. در عین حال او یکی از طراحان روند صلح و یک رجل معتقد و مومن به صلح عادلانه و نه یک تسلیم طلب بلا شرط است. اسرائیلی ها تصمیم گرفته اند از او یک ماندهای فلسطینی بسازند.

**اومانیتته** - آیا شما (هم) حاضر به این کار هستید ؟

**ایلان هالوی** - مروان برقوتی، یکی از محبوب ترین و محترم ترین مردم فلسطین است. بین او و هیچ یک از سایر اعضای رهبری فلسطین اختلاف و تضادی وجود ندارد. همه از او حمایت می کنند و ما آزادی او را خواستار هستیم. محکومیت او هیچ ارزش قانونی ندارد.

**اومانیتته** - چگونه می توان رفع محدودیت های تحمیل شده برای فعالیت

فرستاده ویژه روزنامه مترقی "اومانیتته"، مصاحبه ای با "ایلان هالوی"، معاون وزیر امور خارجه فلسطین انجام داده است که در زیر آن را می خوانید.

- چند روزی است که دادگاه بین المللی لاهه در باره احداث دیوار "حائل"، توسط اسرائیل، رای خود را صادر کرده است و این دیوار را از نظر حقوق بین المللی غیر قانونی اعلام کرده است. اکنون روش شما، به ویژه در رابطه با سازمان ملل چه گونه خواهد بود ؟

**ایلان هالوی** - احداث دیوار در حال حاضر از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد غیر قانونی اعلام شده است، همچنین اکثریت اعضای شورای امنیت نیز در همین راستا رای داده بودند که با وتوی آمریکا روبه برو شد. با این حال، تصمیم دادگاه بین المللی، بسیار با اهمیت است. بدیهی است که این یک اعلام نظر مشورتی است، اما نافذ و دارای قاطعیت و از هر جهت کامل و تمام عیار است. زیرا غیر قانونی بودن احداث دیوار را به غیر قانونی بودن اشغال گری اسرائیل بر می گرداند و به آن مربوط می سازد. در پاره ای جهات، این حکم برای نخستین بار، قانوناً، مرزهای اسرائیل را که پس از ترک مخاصمه سال ۱۹۴۵ و با تضمین های بین المللی به سرحدات (رسمی) اسرائیل میدل شده است، مشخص می کند. رای دادگاه همچنین تخریب دیوار و پرداخت خسارت به فلسطینیانی را که از لحاظ مالکیت خود و نیز از لحاظ زندگیشان متحمل خسارت شده اند، خواستار شده است.

برای این که این پیروزی معنوی به یک پیروزی سیاسی بیانجامد، باید جامعه بین المللی بر مبنای این تصمیم دادگاه فعال شود و برای این که این امر به یک پیروزی مشخص میدل شود، یعنی "دیوار حایل" حقیقتاً برچیده شود، باید جامعه بین المللی تلاش قابل توجهی را به کار ببرد. زیرا دولت آمریکا به هر حال نشان داده است که تا فردای انتخابات آتی، آماده است تا کاملاً از اسرائیل دفاع کند و این که اسرائیل بتواند در عمل خود را مجاز بداند تا به طور آزاد و بدون مجازات، به کارهای خود ادامه دهد.

**اومانیتته** - مقامات فلسطینی برای این که این پیروزی معنوی را به یک پیروزی سیاسی تبدیل کنند، چه اقدامی باید صورت دهند ؟

**ایلان هالوی** - نخست بازگشت به مجمع عمومی سازمان ملل متحد است، تا این مجمع بتواند یک سری تدابیر را اتخاذ کند. اما به خوبی می دانیم، تنها مرجعی که در سیستم سازمان ملل قدرت اجرایی دارد، شورای امنیت است. حداقل تا فردای انتخابات آمریکا، اسرائیل مطمئن است که با وتوی آمریکا، از هر نوع مجازاتی مصون خواهد ماند. بنا بر این لازم است تا با اتخاذ یک استراتژی متوسط المدت (بین ۶ تا ۷ ماه)، بتوانیم با کمک افکار عمومی بین المللی و نیز حکومت ها، بر روی این رای دادگاه سرمایه گذاری کنیم. از همین رو لازم است که ما درخواست تشکیل شورای امنیت را به عقب انداختیم.

**اومانیتته** - با مساله "عدم تعهد" نوار غزه، آن گونه که آریل شارون عرضه کرده است، چگونه رو به رو خواهید شد ؟

**ایلان هالوی** - از جانب سازمان آزادی بخش فلسطین یک موضع گیری تاریخی کاملاً واضح و روشن که در سال ۱۹۷۴ به تصویب رسید، موجود است، مبنی بر این که ما حاکمیت ملی فلسطینی را بر تمامی هر بخشی از سرزمین فلسطینی که تخلیه شود، مستقر خواهیم ساخت. واقعیت این است که از آغاز روند صلح در تمام مذاکرات، آزادی هر سانتیمتر مربع ما را رهنمون بوده است. بنا بر این ما آماده ایم که مسئولیت های خود را در غزه، بدون کم ترین تردید بر عهده بگیریم. برای ما روشن است که این امر نمی تواند مورد معامله قرار بگیرد و این مطلب کاملاً خارج از بحث است که تخلیه غزه بتواند بهانه یی باشد برای توجیه ادامه اشغال بقیه سرزمین اشغالی. بنا بر این برداشت ما از تخلیه نوار غزه باید بخشی باشد از عملی کردن "نقشه راه" و همراه با تخلیه بخش هایی از ماورا اردن و پیش در آمد تخلیه تمامی سرزمین های اشغالی و بازگشت به میز مذاکره. آن چه



## بحران سرمایه داری و اشتغال

طبقه کارگر آمریکا با بحرانی جدی، تازه، تهدید آمیز و دائمی روبرو شده است. گرچه سرمایه داری «سودآوری خود» را از دست نداده است، طبقه کارگر از معضل بیکاری مزمن و فزاینده رنج می برد.

آلن گرینسپین، مسئول سیاست گذاری پولی ایالات متحده و صدر اداره ذخیره های فدرال، در توضیح دلایل خود برای بالا نبردن بهره ها می گوید: میزان اخراج ها رو به کاهش دارد ولی میزان رشد ایجاد کار هنوز عقب است. اولین بخش جمله گرینسپین یعنی میزان اخراج ها رو به کاهش دارد نشان دهنده چرخه رونق - کساد در سیستم سرمایه داری است. نیمه دوم سخن او نشان دهنده به بلوغ رسیدن یک بخش کلیدی در فرایند تولید کالا یعنی استفاده وسیع و گسترده از تکنولوژی پیشرفته است که روز به روز بیشتر جایگزین کارگران می شود.

بعضی عقیده دارند که این بیکاری تنها به دلیل آن است که شرکت های سودجوی آمریکایی اشتغال را به کشورهای دیگر منتقل کرده اند. خشم آنها نسبت به سوءاستفاده شرکتها از قراردادهای تجاری کاملاً قابل درک است. باید برای برقراری یک سیاست تجاری صحیح و عادلانه بین کشورها تلاش و مبارزه کرد.

اما باید توجه داشت که در بررسی اشتغال هم در نظرگیری کارهایی که از کشور به بیرون برده شده اند و هم کارهایی که به دلیل رشد تکنولوژی تولید به کلی از بین رفته اند، اهمیت حیاتی دارند. این هر دو تأثیری اساسی بر وضعیت زندگی طبقه کارگر آمریکا دارند. تأکید صرف بر کارهای به خارج صادر شده، ایجاد مشکل خواهد کرد، به این صورت که بین کارگران کشورهای مختلف رقابت ناسالمی را ایجاد و تفکر انزواطلبی را تقویت می کند که در نتیجه به موضع گیری واپس گرایانه و اشتباهی منجر می شود مثل دشمن انگاشتن کارگران چینی توسط کارگران آمریکایی. به این ترتیب، هدف عمده مبارزه علیه بحران صدور کار به سایر کشورها و استفاده پایان ناپذیر از تکنولوژی پیشرفته که باعث مرگ کار می شود از مسیر خود منحرف می شود و حال آن که باید چه از لحاظ تئوری و چه از نظر عملی بر این دو موضوع پافشاری کرد. وقتی می شود اصلاً حقوق نداد چرا اینجا یا در خارج از کشور بر کم کردن دستمزدها پافشاری کرد؟ تعداد مشاغل که به خارج از کشور صادر شده است بسیار کمتر از آن کارهایی است که به دلیل استفاده گسترده از تکنولوژی جدید به کلی از میان رفته اند. تکنولوژی تأثیر بی سابقه ای بر همه بخش های اقتصادی گذاشته است - از صنایع سنگین گرفته تا بخش خدمات. تمام این بخشها کامپیوتریزه، خودکار و به نوعی غیر انسانی یا ماشینی شده اند. تکنولوژی دائماً در حال رشد است. میلیاردها دلار در بخش خصوصی یا دولتی صرف تحقیقات علمی می شود. تکنولوژی امروزی دستاوردهایی با کیفیت بالا و تازه دارد. از نقطه نظر تولید سرمایه داری، هر پیشرفت تکنولوژی با خود اخراج تعداد بیشتری کارگر را به همراه دارد. آیا این روند حذف مشاغل را باید به طوری انفعالی پذیرفت؟ آیا نباید با همان خشم و احساساتی که با صدور کار برخورد می شود با این مورد هم برخورد شود؟ آیا نباید تکنولوژی در اختیار مردم باشد، نه در اختیار شرکت های بزرگ حریص سود؟

آن بحران واقعی که طبقه کارگر آمریکا با آن روبروست، همانا سوء استفاده از تکنولوژی توسط سرمایه داری است. به این دلیل است که میلیونها نفر هر روز به صف بیکاران می پیوندند. هر هفته به طور متوسط ۳۵۰۰۰۰ نفر برای دریافت بیمه بیکاری اقدام می کنند. تصاحب دستاورد های تکنولوژی توسط سرمایه داری آن معمایی

است که به بحران ختم می شود. بیابید نگاهی به ماورای آمار بکنیم. میزان بیکاری ۵.۷ درصد نیست. میلیونها نفر در آمار رسمی دولت نیستند، مانند بخشی از نیروی کار مازاد که سرمایه داری دیگر به آنان احتیاجی ندارد. می دانیم که ۳۰۸۰۰۰ شغل جدید چیزی جز یک آگهی تبلیغاتی برای انتخابات بوش نبوده است. آقای رئیس جمهور، این تبلیغات کی به پایان می رسد؟ گزارشهای دولتی در ۲۰ سال اخیر نشان داده اند که کارگران آمریکایی بیشترین کارایی تولید را در جهان داشته اند. بهترین ایده ای که کارگزاران وال استریت در این دهه به آن رسیده اند افزایش هر چه بیشتر بهره وری کارگران آمریکایی، بدون هیچ استخدام تازه ای می باشد.

افاضات گرینسپین گزارش هایی اند از ماهیت اساسی نظام سرمایه داری و وضعیت سلامت کنونی آن. او راههای علاجی را پیشنهاد می کند تا سرمایه داری آمریکا را کارآمد نگه دارد به طوری که بتواند برای سرمایه داران حداکثر سود را تضمین کند. رک و پوست کنده بگویم، او کار دیگری به غیر از این ندارد. گرینسپین از سیستم سرمایه داری حفاظت می کند، عمرش را طولانی می کند، کنترل داخلی و جهانی اش را گسترش می دهد تا جنبه سود دهی آن پایدار بماند: سود مقدم بر مردم. او از تمام ابزارهای اقتصادی برای زنده نگهداشتن سرمایه داری استفاده می کند. شعبده بازی با نرخ بهره هم یکی از این ابزارهاست: حفظ گسترش بیکاری کارگران در حد بالا یک عامل کلیدی در راه کمک به ارباب سرمایه است. هر یک از رهبران طبقه کارگر، اقتصاددانان اتحادیه ها، مارکسیستها، کمونیستها، سوسیالیستها و آنهایی که شدت و حدت روند کشتن مشاغل را درک کرده اند، وظیفه ای مهم در پیش رو دارند: باید به میلیونها کارگر توضیح داد که چرا و چگونه بیکار می شوند و به آنها کمک کرد تا متشکل شوند. هنگامی که کارگران متوجه شوند که چگونه سرشان کلاه می رود و زندگی شان تباه می شود، و چه کسانی باعث آن هستند، و اینکه قادرند جلوی این روند بایستند، آنگاه است که به راستی خشمگین شده و سعی در حفظ مشاغل و کارهایشان خواهند کرد و کنترل ثروتی را که خود تولید کننده آن هستند در دست خواهند گرفت.

نوشته: پت بریل

از هفته نامه دنیای مردم

### کمک های مالی رسیده

به یاد شهید دانشمند ناخدا یکم افضلی ۲۰۰ دلار  
فرامرز از آمریکا ۲۰۰ دلار  
به یاد پرستل میهن دوست از نیروی هوایی سروان امیر حسین خزائلی، همافر حسن صراف پور و همافر محسن حسینی نژاد ۱۰۰ یورو  
به یاد حسن حسین پور تبریزی ۶۵ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 692**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

3 August 2004

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse